

## جایگاه هویت در شکل‌گیری نگاه امنیتی فدراسیون روسیه در قبال غرب

میثم زکی‌زاده<sup>۱</sup>

کیهان برزگر<sup>۲</sup>

مهدی ذاکریان امیری<sup>۳</sup>

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، فدراسیون روسیه به عنوان میراث‌دار آن به تدریج شروع به بازتعریف و بازتفسیر از هویت، منافع ملی و تهدیدهای امنیت ملی خود نمود. در این میان، رابطه با غرب همواره برای روسیه اهمیت داشته و یک چالش همیشگی در سیاست خارجی این کشور بوده است. طی قریب به سه دهه، رهبران فدراسیون روسیه اسناد راهبردی متعددی را برای بازنمایی هویت خود در فضای پسا شوروی و مشخص نمودن نقشه راه سیاست داخلی، خارجی، امنیتی و نظامی این کشور منتشر کردند. پرسش اصلی مقاله این است که «هویت چه جایگاهی در شکل‌گیری نگاه امنیتی فدراسیون روسیه در قبال غرب در دوران پساجنگ سرد دارد؟» به منظور یافتن پاسخ این پرسش با بهره‌بردن از مفهوم هویت در نظریه سازه‌نگاری و با واکاوی اسناد راهبردی منتشره در این کشور تلاش شده تا هویت-نقش‌های برجسته و عمق‌یافته فدراسیون روسیه شناسایی و نقش و جایگاه آنها در شکل دادن به نوع نگاه امنیتی روسیه مشخص گردد. فرضیه اصلی این مقاله این است که «هویت-نقش‌هایی چون قدرت بزرگ جهانی تلقی شدن، سلطه‌گر مهربان برای کشورهای خارج نزدیک روسیه (جمهوری‌های جداشده از اتحاد جماهیر شوروی) و حامی روس‌زبان‌ها، بر نوع نگاه امنیتی روسیه نسبت به غرب تأثیر مهمی بر جای گذاشته و سبب شکل‌گیری نگاه تهدید محور نسبت به غرب شده است». مقاله حاضر بر پایه روش‌شناسی توصیفی-تبیینی انجام شده و از اسناد و منابع فضای مجازی جهت نگارش استفاده شده است.

**واژگان کلیدی:** روسیه، غرب، ایالات متحده آمریکا، ناتو، هویت، امنیت و تهدید.

---

۱. دانشجوی دکتری رشته روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد

Email: meisam\_zakizadeh@yahoo.com

اسلامی، تهران، ایران.

۲. نویسنده مسئول، دانشیار گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه

Email: k-barzegar@srbiau.ac.ir

آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۳. استادیار گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی،

Email: m-zkerian@srbiau.ac.ir

تهران، ایران.

- این مقاله علمی - پژوهشی می‌باشد. تاریخ دریافت ۹۹/۶/۲۴ و تاریخ پذیرش ۹۹/۸/۱۴

## مقدمه

دگرگونی‌های ایجاد شده متعاقب فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی که منجر به برچیده شدن نظام دوقطبی نیز گردید، فدراسیون روسیه را با فضای جدیدی در منطقه و جهان روبه‌رو ساخت. پس از سردرگمی‌های نخستین و غرب‌گرایی اولیه در سیاست خارجی، فدراسیون روسیه به تدریج توانست سر و سامانی به رویکردهای سیاست خارجی خود داده و بازتعریفی از منافع ملی بر پایه هویت ملی خود به عمل آورد.

از طرفی، حضور غرب در گفتمان‌های فلسفی و اجتماعی روسیه همیشه حاضر بوده است. از غرب همواره یا به عنوان مجموعه‌ای که باید از آن تقلید کرد و یا مجموعه‌ای که برای روسیه خطرناک است یاد شده است. علاوه بر این، غرب برای روسیه به معنای دو چیز متفاوت بوده است، از یک سو اروپای معنوی دوران روشنگری، لیبرالیسم<sup>۱</sup> و عقلانیت و از سوی دیگر، اروپای مادی فناوری‌های پیشرفته و قدرت اقتصادی و نظامی برتر. البته توجه بیشتر نخبگان حاکم بر تقلید و پیروی از توانایی‌های مادی قدرت‌های بزرگ اروپایی بود. بنابراین برتری نظامی اروپایی‌ها ترس آمیخته با تمجید را در روس‌ها ایجاد می‌کرد و این در حالی بود که ریشه‌های غیرمادی اروپای مدرن مانند جهان‌بینی دکارتی<sup>۲</sup>، خردگرایی<sup>۳</sup> و لیبرالیسم مخالفت‌هایی را در بخش‌هایی از روسیه برمی‌انگیخت.

به تدریج بخش نظامی غرب جایگاه بالاتری را نسبت به بخش معنوی آن در گفتمان تهدیدمحور روس‌ها کسب کرد. هرچند برخی از گروه‌های ذی‌نفوذ مانند اسلاوگراها به تأکید بر ویژگی خصمانه معنویت غربی ادامه دادند، این گرایش به ندرت جایگاه رسمی در روسیه کسب کرد و در عمل هیچ‌گاه به باور عمومی در میان روس‌ها منجر نشد. وقتی ما به تاریخ دو سده اخیر روسیه نگاه بیندازیم که مشتمل بر تلاش‌های متعدد ارتش‌های قدرتمند مجهز به تجهیزات و فناوری‌های پیشرفته غرب برای غلبه بر روسیه است این مسئله قابل فهم می‌شود.

طی سال‌های اولیه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی امیدهای نخستین برای همگرایی روسیه با غرب به تدریج از میان رفت و حتی تصمیم ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور فدراسیون روسیه پس از حمله‌های تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ که در حمایت از اقدام‌های

1. Liberalism

2. Cartesian Worldview

3. Rationalism

ضدتروریستی ایالات متحده آمریکا اتخاذ شده بود، طی سال‌های بعد از آن به نزدیکی روابط فدراسیون روسیه با غرب منتج نشد.

از سال ۲۰۰۸ روسیه تا اندازه‌ای توانست جایگاه خود را در نظام بین‌الملل بهبود ببخشد که این امر بسیار مرهون دوره رشد اقتصادی این کشور از سال ۱۹۹۹ بود، اما تعدادی از موضوعات بین‌المللی مطابق با آنچه روسیه آرزوی آن را داشت پیش نرفت. برای مثال استقلال کوزوو و استقرار سامانه دفاع موشکی در اروپای شرقی و از همه مهم‌تر قصد ایالات متحده آمریکا برای اعطای برنامه اقدام عضویت ناتو به اوکراین و گرجستان، هرچند تاکنون اجرایی نشده است.

عوامل متعددی بر رویکردهای امنیتی روسیه نسبت به غرب و به تبع آن بر روابط این کشور با غرب به سرکردگی ایالات متحده آمریکا تأثیر گذاشته و سبب کنش و واکنش‌های مختلفی از سوی طرفین شده است. در این میان پرسشی که در این مقاله در پی‌یافتن پاسخی به آن هستیم این است که هویت روسی چه نقش و جایگاهی در شکل‌گیری و تعیین نوع نگاه امنیتی روسیه در قبال غرب داشته است؟ در پاسخ به این پرسش فرضیه مطرح شده بدین صورت است که هویت روسی در چارچوب هویت-نقش‌هایی چون قدرت بزرگ جهانی بودن، هژمون مهربان برای کشورهای مستقل شده از اتحاد جماهیر شوروی و حامی اقلیت‌های روس‌زبان در کشورهای همسایه تأثیر مهمی بر شکل‌گیری نگاه امنیتی روسیه نسبت به غرب گذاشته و سبب شکل‌گیری نگاه تهدید محور در قبال غرب شده است. در این مقاله از روش توصیفی-تبیینی برای پژوهش استفاده شده است.

**چارچوب مفهومی**، علاقه‌مندی به هویت در ادبیات روابط بین‌الملل پیامد گفتگوی اندیشمندان این حوزه با دیگر دانشمندان اجتماعی، فلاسفه، روانشناسان و روانشناسان اجتماعی به‌طور خاص است. تاکنون تعاریف مختلف و متعددی از هویت صورت گرفته است. به عنوان مثال الکساندر ونت<sup>۱</sup>، یکی از اندیشمندان مکتب سازه‌نگاری<sup>۲</sup>، هویت را خصوصیتی در کنشگر نیت‌مند می‌داند که موجد تمایلات انگیزشی و رفتاری وی است. هویت، ریشه در فهم کنشگر از خود داشته و بعد بینادهنی نیز دارد و آن به معنای این است که برداشت‌های دیگران نیز علاوه بر برداشت خود از هویت در معنای آن تأثیر دارد و ساختارهای درونی و بیرونی هر دو به هویت‌ها قوام می‌بخشند(ونت، ۱۳۸۴: ۳۲۵-۳۲۶).

---

<sup>۱</sup>. Alexander Wendt

<sup>۲</sup>. Constructivism

در بحث هویت دولت، سازه‌انگاری به‌ویژه رویکردهای هویت دولتی که توسط الکساندر ونت و پیتر کاتزنستاین<sup>۱</sup> نمایندگی می‌شوند به یک بخش از جریان اصلی انحصاری نظریه‌های روابط بین‌الملل تبدیل شده‌اند. مفهوم هویت امکان وارد کردن تغییر در منافع بازیگران را نیز فراهم می‌کند. بر اساس نظریه‌های سازه‌انگاران منافع دولت‌ها توسط هویت‌های آنها شکل می‌گیرند و این درحالی است که هویت دولت‌ها (و بنابراین منافع آنها) خودشان در فرآیند تعاملات در معرض تغییر قرار دارند (Alexandrov, 2003:33).

البته به دلیل طبیعت پویا و تغییر یابنده هویت، درک و تبیین آن به نسبت دشوار است. هویت یک ویژگی ثابت با یک بازتاب دقیق در رفتار شخص یا یک مجموعه نیست و به‌طور مداوم ساخته و بازساخته می‌شود. بسیاری از اندیشمندان روابط بین‌الملل تلاش کرده‌اند تا از تله پیچیدگی غیرقابل مدیریت هویت با تمرکز بر دوگانگی روابط میان «خود» و «دیگری» فرار کنند. در برخی موارد روش پی بردن به هویت دولت بیشتر بدین صورت در نظر گرفته شده است؛ اول، پژوهشگران برای تعیین این که «دیگری» چه کسی است از تحلیل گفتمان‌های غالب استفاده می‌کنند و در ادامه تلاش می‌کنند تا مهم‌ترین تفاوت میان «خود» و «دیگری» را دریابند که این امر منجر به درک عصاره هویت واقعی بازیگر می‌شود که از آن می‌توان به عنوان پایه‌ای برای تحلیل رفتار سیاست خارجی آن استفاده نمود. این روش به‌طور قطع قابل توجه است چرا که می‌تواند درباره منافع بازیگر مطالب بسیاری را آشکار کند. سپس این منافع هویت پایه به عنوان چارچوب کلی برای تصمیم‌سازی در سیاست خارجی به کار می‌رود.

همچنین می‌توان هویت‌ها را به عنوان پدیده‌ای وابسته به نقش، «شناخت‌های خود ارجاع»<sup>۲</sup> یا توصیفاتی که مردم برای خود استفاده می‌کنند به عنوان پیامد جایگاه‌های نقشی ساختاری که آنها اشغال کرده‌اند، تعریف کرد. هویت-نقش<sup>۳</sup>، بیشتر به عنوان وضعیت کمتر باثباتی فهمیده می‌شود که «خود» در موقعیت‌های خاص اتخاذ می‌کند (یک شخص می‌تواند معلم، پدر، فرزند و یا یک همسایه باشد با شدت‌های متفاوت در زمان‌های متفاوت). مفهوم هویت یکپارچه<sup>۴</sup>، نتیجه‌گیری قوی درباره روابط خود با دیگری به دست نمی‌دهد چرا که

<sup>۱</sup>. Peter Katzenstein

<sup>۲</sup>. Self-Referent Cognitions

<sup>۳</sup>. Role - Identity

<sup>۴</sup>. Monolithic Identity

نقش‌ها ممکن است هم نقش‌های تکمیل‌کننده و هم نقش‌های معکوس باشند (Kratochvile, 2004:4).

از سویی ممکن است، حالت‌های رفتاری متفاوت دیگری را از یک بازیگر بر پایه هویت - نقش‌های متفاوت آن دریابیم. احتمال دارد بیشتر وقت‌ها، هویت - نقش‌ها حالت خفته داشته باشند و تنها در برخی موقعیت‌های خاص وقتی که برجستگی آن افزایش یابد، فعال گردند. بر اساس این رویکرد، نوع و اهمیت تعاملات روسیه با کشورهای مستقل مشترک‌المنافع متفاوت از روابط این کشور با اتحادیه اروپا به صورت یک مجموعه کلی و یا با کشورهای حوزه بالتیک است. با این حال، درون‌مایه «خود» به شکل‌های متفاوتی علیه «دیگران» مختلف نمایان می‌شود. همچنین مفهوم هویت - نقش می‌تواند تنوع رفتاری را بهتر از مفهوم هویت یکپارچه توضیح دهد. هویت یکپارچه تنها بر یک «دیگر» غالب یا انتظار رفتار مشابهی از «خود» در برابر محیط گسترده که در حالت کلی دارد تمرکز می‌کند. در بحث هویت، تمایزگذاری بین فعال بودن<sup>۱</sup> و برجسته بودن<sup>۲</sup> نیز واجد اهمیت است، چرا که اجازه می‌دهد تا تمایزگذاری بین برجستگی کلی یک نقش و فعال بودن یا نبودن آن در شرایط خاص مشخص گردد (Stets and Burke, 2002). به عنوان مثال، روسیه و آسیای مرکزی متفاوت از روسیه و بالتیک است. هویت - نقش‌ها به‌طور مرتبه‌ای در خود سازماندهی شده‌اند و برخی از آنها احتمال فعال شدنشان بیشتر است (هویت - نقش‌های برجسته‌تر) و برخی با احتمال کمتر. همچنین وابستگی میان برجستگی و فعال بودن، گاهی وقت‌ها به‌ویژه وقتی تغییرات در رفتار «خود» را به بحث می‌گذاریم، کمک‌کننده است. اگر نقشی به‌طور مکرر فعال شده باشد و «دیگری» روابط تضمین‌کننده نقش را بپذیرد، برجستگی آن افزایش می‌یابد. طبیعی است که هرچه یک مجموعه از هنجارهای (هویت - نقش) رفتاری برجسته‌تر باشد، تغییر هویت - نقش دشوارتر است (Kratochvile, 2004:8). به عنوان مثال روابط روسیه با کشورهای حوزه بالتیک نسبت به روابط این کشور با جمهوری چک اهمیت بیشتری داشته و لذا پذیرش بیشتری برای مسئله عضویت چک در ناتو نسبت به استونی دارد. از طرفی نیز هرچه هویت - نقش‌ها برای «خود» عینی‌تر و طبیعی‌تر انگاشته شود، مقاومت برای تغییر نیز بیشتر می‌شود. اگر «دیگری» یک هویت - نقش عینی یا طبیعی قلمداد شده

1. Activation

2. Saliency

«خود» را به چالش بکشد، طبیعی بودن این هویت - نقش اثر منفی بر «خود» گذاشته و احساس تهدید بیشتری می‌کند.

### ۱. مناسبات روسیه و غرب و رویکرد چندجانبه‌گرایانه

همان‌طور که ذکر آن رفت، «دیگران» که یک کشور هویت ملی خود را در برابر آن تعریف می‌نماید، نقش کلیدی در بازنمایی سیاست خارجی و نگاه راهبردی کشورها بازی می‌کنند. روسیه به طور سنتی به کشورهای اروپایی نزدیک بوده است. همواره روس‌ها به دنبال کسب تأیید غربی‌ها بوده‌اند. روسیه پس از پایان جنگ سرد و فروپاشی به لحاظ سیاسی آماده می‌شد که به جامعه نخبگان بین‌المللی وارد شود و به عنوان قدرت دوباره ظهور کننده مورد شناسایی آنها قرار گیرد، اما برخلاف انتظار روس‌ها، غربی‌ها از بازگشت روسیه به باشگاه کشورهای متمدن استقبال نکردند و این امیدواری طولی نکشید و روس‌ها دریافتند که همیشه به عنوان یک بیگانه با آنها برخورد خواهد شد و این امر به لحاظ سیاسی روسیه را در وضعیت دفاعی قرار داد و از منظر هویتی احساسات ملی‌گرایانه را تقویت نمود (Alvarez Portas, 2020:15).

از طرفی نیز در مرکز روابط روسیه با ایالات متحده آمریکا، رویکردها و انتظارات متفاوت طرفین از روابط پس از پایان جنگ سرد و به‌طور کلی از روابط بین‌الملل بود. انتظار روسیه این بود که پایان یافتن دوران دشمنی جنگ سرد منجر به مشارکت روسیه و ایالات متحده آمریکا در مدیریت امور جهانی به‌طور برابر شود (Kaczmarek, 2018:47). تصور روس‌ها این بود که این امر از طریق موافقت‌نامه‌های متعدد کنترل تسلیحات (به‌ویژه، معاهده سالت<sup>۱</sup>، معاهده ضد موشک‌های بالیستیک<sup>۲</sup>، پیمان منع موشک‌های هسته‌ای میان‌برد<sup>۳</sup> و موافقت‌نامه نیروهای نظامی متعارف در اروپا<sup>۴</sup>) و همچنین تلاش‌های متعدد حل و فصل منازعه‌های میان اتحاد جماهیر شوروی و آمریکا در جهان سوم به خصوص در دوره گورباچف<sup>۵</sup> تحقق یابد. مسکو، امتیازهای بسیاری را در پایان جنگ سرد اعطا کرد از جمله

<sup>۱</sup> Strategic Arms Limitations Treaty

<sup>۲</sup> Anti-Ballistic Missile

<sup>۳</sup> Intermediate-Range Nuclear Forces Treaty

<sup>۴</sup> Treaty on Conventional Armed Forces in Europe (CFE)

<sup>۵</sup> Mikhail Gorbachev

آنها اجازه سرنگونی احزاب کمونیست در کشورهای اروپای شرقی، انحلال پیمان ورشو<sup>۱</sup> و اتحاد دوباره آلمان بود. انتظار بسیاری در روسیه وجود داشت که آمریکا و متحدان غربی این کشور به لحاظ اقتصادی این امتیازها را جبران کرده و در مقابل انحلال پیمان ورشو دست به گسترش ناتو نزنند (Suslov, 2016).

روس‌ها در تمامی این انتظارات ناامید شدند. آمریکا و غرب آنچنان که انتظار می‌رفت، کمک‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری در روسیه انجام ندادند. ناتو دست به گسترش به سمت اروپای شرقی و حتی دولت‌های بالتیک زد<sup>۲</sup>. به‌علاوه طی این سال‌ها ایالات متحده به همراه یا بدون همراهی متحدان ناتویی خود دست به مداخلات و دیگر اقداماتی زد که مسکو با آنها مخالف بود از جمله آنها می‌توان به اقدامات آمریکا علیه صربستان در سال ۱۹۹۰، کناره‌گیری از معاهده ضد موشک‌های بالیستیک توسط دولت بوش<sup>۳</sup>، مداخله نظامی در عراق در سال ۲۰۰۳، حمایت از انقلاب‌های رنگی در گرجستان و اوکراین و رویارویی با نیروهایی که شرکای طولانی‌مدت مسکو بودند در لیبی و سوریه در خلال بهار عربی اشاره کرد (Saradzhyan, 2018).

در ادامه به منظور فهم نوع نگاه امنیتی روسیه نسبت به غرب به بررسی این موضوع که روسیه خود را چگونه در مقابل غرب تعریف می‌نماید پرداخته و سپس به هویت - نقش‌هایی که برای خود تعریف می‌کند اشاره می‌شود. آشفتگی که در پی فروپاشی بلوک شرق و اتحاد جماهیر شوروی به وقوع پیوست تصاویر روسیه از خود و نقش‌های این کشور را هم در دورن این اتحاد و هم نسبت به دیگران از هم گسیخت. تصاویر تهدید غالب از گذشته یا ناپدید گشتند و یا به اشکالی سازگارتر با دوران پساجنگ سرد تبدیل شدند. علاوه بر این، هرچند ممکن است هویت روسی را در رابطه با محیط خارجی در ساده‌ترین شکل دوگانه آن، منازعه شرق - غرب در زمان جنگ سرد ترسیم کرد، ولی این امر در دوران حاضر گمراه‌کننده است. بنابراین بایستی به منظور

<sup>۱</sup>. Warsaw Pact

<sup>۳</sup>. در خلال مذاکرات سال ۱۹۹۰ در خصوص اتحاد دوباره آلمان پس از تخریب دیوار برلین، مقام‌های غربی برای آرام کردن دغدغه‌های سنتی شوروی به طور مکرر اعلام می‌کردند که ناتو به سمت شوروی گسترش نخواهد یافت. از جمله مشهورترین اظهارات مربوط به جیمز بیکر، وزیر امور خارجه وقت آمریکا بود که گفته بود «نه حتی یک اینچ به سمت شرق» (Savranskaya and Blanton, 2017).

<sup>۳</sup>. Georg W. Bush

فهم نگاه امنیتی در سیاست خارجی روسیه و در تصاویر تهدید بازسازی شده جدید این دولت، چندگانگی هویت‌ها در دوران پساجنگ سرد را مدنظر قرار داد.

طی سال‌های پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، حداقل سه گفتمان هویتی در روسیه رواج داشته است؛ گفتمان لیبرال<sup>۱</sup> که نگاه آن به جمهوری‌های جدا شده از اتحاد جماهیر شوروی نادیده انگاشتن بود، گفتمان محافظه‌کار<sup>۲</sup> که خواستار برپایی دوباره امپراتوری تزاری و یا نظامی شبیه اتحاد جماهیر شوروی بود و گفتمان مرکزگرا<sup>۳</sup> که تأکید آن بر اهمیت حفظ حوزه نفوذ غیررسمی در منطقه بود. بعد از دوره کوتاهی پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی که گفتمان لیبرال بر سیاست خارجی روسیه حاکم بود، گفتمان مرکزگرا به‌ویژه در دوران ریاست جمهوری ولادیمیر پوتین در این کشور حاکم شد (Gotz, 2017:237).

در دوره تفوق گفتمان مرکزگرا، سیاست خارجی فدراسیون روسیه نخست بر روابط دوجانبه با کشورهای بزرگ‌تر مانند ایالات متحده آمریکا، چین و هند متمرکز است و کشورهای مستقل مشترک‌المنافع، بخشی از آنچه را که روسیه به عنوان حوزه نفوذ خود در نظر می‌گیرد، تشکیل می‌دهند و جایگاه ویژه‌ای در اسناد سیاست رسمی این کشور دارند. روسیه، آرزوی تقویت همکاری از طریق تجارت، ایجاد اتحادیه اقتصادی اوراسیا<sup>۴</sup> و تقویت سازمان پیمان امنیت دسته‌جمعی<sup>۵</sup> دارد (Foreign Policy ... 2000, 2008, 2013). اما با وجود اهمیتی که به کشورهای مشترک‌المنافع داده می‌شود، روابط روسیه با غرب بالاترین اهمیت را برای این کشور دارد. با وجود ابهام در رویکرد روسیه نسبت به غرب، تمرکز سیاست خارجی روسیه بر روابط با ایالات متحده قرار داشته و وضعیت فعلی این روابط بر اولویت‌بندی روابط این کشور با سایر کشورهای جهان تأثیر می‌گذارد (Mankoff 2012: 92-183).

برخی از پژوهشگران استدلال می‌کنند که ملاحظات پرستیژ و جایگاه، نقش حیاتی در شکل‌گیری سیاست خارجی روسیه به‌ویژه نسبت به غرب بازی می‌کنند. بر این اساس، تلاش برای دستیابی به جایگاه بزرگ‌تر بین‌المللی ریشه بسیاری از اقدام‌های تهاجمی روسیه در خارج نزدیک این کشور است (Gotz, 2017:238). روسیه می‌خواهد، توسط ایالات متحده

<sup>۱</sup> Liberal Discourse

<sup>۲</sup> Conservative Discourse

<sup>۳</sup> Centralist Discourse

<sup>۴</sup> Eurasian Economic Union

<sup>۵</sup> Collective Security Treaty Organization



آمریکا به عنوان قدرت بزرگ و شریک برابر مورد شناسایی واقع گردد. این حقیقت که ایالات متحده تنها روسیه را به عنوان قدرت منطقه‌ای در نظر می‌گیرد و برتری روسیه در مناطقی که این کشور به عنوان حوزه نفوذ خود می‌پندارد را نمی‌پذیرد، مشکلات بنیادینی در روابط آنها پدید آورده است. بر اساس دیدگاه روسی، ایالات متحده از مشارکت روسیه در جنگ علیه ترور غافل شده و جایگاه ادعایی روسیه در نظام بین‌الملل و عدم‌مداخله در حوزه نفوذ روسیه را نادیده انگاشته است (Donaldson and Noguee 2009:373-375). روسیه چیرگی ایالات متحده در روابط بین‌الملل را نمی‌پذیرد و در مقابل، ایالات متحده را برای نادیده انگاشتن حقوق بین‌الملل، ابتدا منشور سازمان ملل و اصل عدم‌مداخله در کشورها مورد انتقاد قرار می‌دهد.

بر پایه گفتمان چندجانبه‌گرایی روسیه، مهم‌ترین تهدید حاکمیت داخلی و منافع منطقه‌ای و جهانی این کشور، سلطه‌گری تک‌قطبی و یک‌جانبه‌گرایی ایالات متحده آمریکا است. سلطه‌گری که با اصطلاحاتی نظیر استکبار، خودخواهی و تکبر توصیف می‌شود در پی آن است که اراده خود را بر دیگران تحمیل کند و منافع ملی و هویت‌های سایرین را نادیده انگارد. تنش ذاتی میان تمایل سلطه‌گری برای غلبه از یک سو و تنوع منافع سیاست خارجی کشورها از سوی دیگر، امنیت و ثبات جهانی را مخدوش می‌سازد. به‌ویژه وقتی که سلطه‌گری به فشار از طریق نیروهای نظامی و تحریم‌های اقتصادی روی می‌آورد. تنها ابزارهای حاکمیت جهانی که به‌طور رضایت‌آمیزی قادر به نمایندگی از منافع ملی متنوع و مختلف کشورها و تکانه‌های سازنده‌ای از سلطه‌گری را دارا هستند، حقوق بین‌الملل و دیپماسی چندجانبه و نمونه‌اعلای آن سازمان ملل و شورای امنیت این سازمان است (Budnitsky, 2020:5).

بر این اساس، ایالات متحده بر ناتو مسلط است و از آن به عنوان ابزاری برای جاه‌طلبی‌های خود در نظام بین‌الملل استفاده می‌کند. روسیه مخالف تمایلات ناتو برای گسترش به سمت شرق و ورود کشورهایی که پیش از این، متحدان آن بودند به این ائتلاف است. این گسترش با هدف نظم جهانی چندقطبی روسیه متضاد بوده و بازگشت به وضعیت گذشته به عنوان قدرت بزرگ را با دشواری روبه‌رو می‌کند و نفوذ آن را در کشورهای مستقل مشترک‌المنافع کاهش می‌دهد.

رهبران روسیه کشورشان را به عنوان قدرت بزرگی<sup>۱</sup> که در حال کنترل مسیر خود است می‌بینند. آنها برتری آمریکایی‌ها را نمی‌پذیرند و در تلاش برای گذر از جهان تک‌قطبی به چند قطبی هستند. با سیاست کاشت دمکراسی آمریکا مخالف بوده و آن را زمینه‌ای برای تغییر نظام این کشور با حکومت طرفدار آمریکا می‌دانند و همچنین بر حق خود برای داشتن حلقه نفوذ در مناطق پیرامونی تأکید داشته و با مداخله‌های آمریکایی‌ها مقابله می‌کنند. همچنین به منظور تقویت موقعیت سیاسی داخلی به احساسات ضد آمریکایی دامن می‌زنند (Pumer and Sokolskiy, 2020). نگرانی دیگر روسیه در ارتباط با ایالات متحده، سیستم دفاع موشکی است، چراکه می‌تواند بر کارکرد بازدارندگی هسته‌ای این کشور و در نتیجه یکی از مهم‌ترین پیش شرطها برای قدرت بزرگ بودن آن تأثیر گذارد.

از سال ۲۰۰۴ به بعد سیاست خارجی روسیه مستقل‌تر و جسارت‌آمیزتر شد. روسیه رشد اقتصادی بیشتری را به دلیل اصلاحات اقتصادی دهه ۹۰ میلادی و افزایش قیمت نفت در دهه اول هزاره جدید تجربه کرد و در نتیجه کمتر به غرب متکی گردید. هدف سیاست خارجی این کشور مجاب کردن ایالات متحده به پذیرش این کشور به عنوان قدرت بزرگ و برابر با آن بود. هرچند روابط با غرب آنچنان که روسیه علاقه‌مند بود، پیش نرفت. اقدام‌های ایالات متحده در نظام بین‌الملل برای مثال جنگ در یوگسلاوی سابق و ابطال یک جانبه معاهده ضد موشک بالیستیک، گسترش ناتو و دفاع موشکی به عنوان تحریک کننده و تا حدی اهانت‌آمیز تلقی شد (Donaldson and Noguee, 2009: 361, 373-374). از سویی، انقلاب‌های رنگی در کشورهایی که روسیه حوزه نفوذ خود می‌پندارد مانند گرجستان، قرقیزستان و اوکراین در خلال سال‌های ۲۰۰۳-۲۰۰۵ که به عنوان نتیجه حمایت‌های غرب از جنبش‌های مخالف دولت‌های طرفدار روسیه تفسیر می‌شد نیز به عنوان تلاشی از جانب ایالات متحده برای گسترش نفوذ خود و محاصره روسیه و مقابله با بازگشت روسیه به جایگاه قدرت بزرگی تلقی گردید.

از طرفی، تحریم‌هایی که پس از بحران اوکراین و دخالت نظامی روسیه در این کشور در سال ۲۰۱۴ صورت گرفت، شامل اقدام‌هایی بود که به شبکه‌های تروریستی و دولت‌های یاغی در اصطلاح غرب تعلق می‌گرفت و در آن زمان بر علیه تجار و شرکت‌های بین‌المللی یکی از

<sup>۱</sup>. Great Power

بزرگترین اقتصادهای جهانی یعنی روسیه، تحمیل گردید. دفتر خزانه‌داری ایالات متحده آمریکا برای کنترل دارایی‌های خارجی<sup>۱</sup> دسته‌بندی جدیدی از تحریم‌ها را ابداع نمود که افراد و بخش‌های کلیدی روسیه را با فشارهای سخت‌تر و غیرقابل پیش‌بینی تری نسبت به گذشته روبه‌رو می‌نمود (Davies, 2018:11).

بخشی از مشکلات موجود بر سر راه روابط امروزی و بین‌المللی روسیه با غرب ناشی از تهدیدهای غرب علیه امنیت روسیه است. برون‌رفت از مشکلات در فرایند تعاملات روسیه با غرب و مستلزم رصد عکس‌العمل‌ها و نیت غرب در مورد هر موضوع پیش روی بوده و در عین حال بهره‌برداری از هر امکان گفتگوی هرچند اندک برای راه‌یابی به منافع سیستم امنیتی در غرب بسیار حائز اهمیت است (Данилбов, 2019). از طرفی، بیشتر سیاست‌های غرب در نظر مسکو به عنوان تلاشی برای نادیده‌انگاشتن مأموریت تاریخی و جایگاه حقیقی روسیه در نظام بین‌الملل پنداشته می‌شود (Alvarez Portas, 2020:20). برخی از پژوهشگران از جمله دیمیتری ترینین<sup>۲</sup>، مدیر مرکز کارنگی<sup>۳</sup> پیش‌بینی ناامیدکننده‌ای از آینده روابط روسیه با غرب ارائه می‌دهند. وی معتقد است برای دوره طولانی روسیه تعمیق و تشدید رویارویی با آمریکا را خواهد داشت و با اروپا نیز روسیه در وضعیت بیگانگی متقابل خواهد بود (Halperovich, 2017).

به منظور تحلیل رویکرد روسیه نسبت به غرب، سودمند است، نگاهی به اسناد مهم راهبردی امنیتی، سیاست خارجی و نظامی این کشور شامل تدابیر امنیت ملی<sup>۴</sup>، تدابیر سیاست خارجی<sup>۵</sup> و دکترین‌های نظامی<sup>۶</sup> طی سه دهه اخیر بیندازیم که روشن‌کننده گفتمان رسمی و مؤثری است که تأثیر عمیقی بر رفتار سیاست خارجی روسیه می‌گذارد. این گفتمان هرچند در لابه‌لای لحن دیپلماتیک این اسناد به‌کار رفته است، اما حداقل فرم‌های پایه‌ای چارچوب منابع ساخت هویت روسی و درک نوع نگاه امنیتی روسیه به غرب را آشکار می‌کند.

---

<sup>1</sup>. Office of Foreign Assets Control (OFAC)

<sup>2</sup>. Dmitri Trenin

<sup>3</sup>. Carnegie Moscow Center

<sup>4</sup>. National Security Concepts

<sup>5</sup>. Foreign Policy Concepts

<sup>6</sup>. Military Doctrines

## ۲. راهبردهای امنیتی و نظامی

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و نیاز به دکترین نظامی در روسیه جدید ایجاد کرد که در ماه مه ۱۹۹۲ پیش‌نویس اولین دکترین نظامی فدراسیون روسیه منتشر گردد. به نظر می‌رسید این پیش‌نویس شروعی بود برای حرکت به سمت سیاست‌گذاری امنیتی مقابله‌ای قاطعانه‌تر که متفاوت از آهنگ دفاعی و صلح‌آمیز آخرین دکترین اتحاد جماهیر شوروی بود.

در نخستین دکترین امنیتی نظامی روسیه که در ۲ نوامبر سال ۱۹۹۳ تصویب شد با توجه به رویه غرب‌گرایی که بر سیاست خارجی روسیه حاکم بود و همچنین تهدیدهای امنیتی روسیه که به طور معمول از بحران‌های داخلی، منازعه‌های قومی و واگرایی‌های محلی در داخل کشور نشأت می‌گرفت، امکان بروز هر نوع مناقشه نظامی خارجی منتفی دانسته شده بود. این دکترین با تأکید بر این نکته که روسیه در صحنه جهانی هیچ دشمنی ندارد، هدف اصلی را حمایت از منافع ملی و جلوگیری از جنگ دانسته بود. همچنین در این دکترین موارد زیر به عنوان تهدیدهای امنیت ملی روسیه به حساب آمده بودند: استقرار نیروهای نظامی در مرزهای روسیه که می‌تواند همبستگی حاکم بر نیروهای روسی را مختل کند؛ ورود نیروهای خارجی به اراضی کشورهای همسایه؛ آموزش نیروهای مسلح در کشورهای دیگر برای ورود به خاک روسیه و متحدان آن؛ حمله به تأسیسات مرزی فدراسیون روسیه و متحدین آن برای ایجاد منازعه‌ها و درگیری‌های مرزی؛ اقدام برای مداخله در عملکرد دستگاه‌های روسی که به پشتیبانی از نیروهای هسته‌ای راهبردی و فرماندهی و کنترل نظامی و نیز بخش‌های قضایی مشغول هستند (Military Doctrine of the Russian Federation 1993, Article 2.1). همچنین گسترش ناتو به شرق و لغو پیمان ضد موشک بالستیک توسط آمریکا دو مقوله مهمی بودند که روسیه را ناگزیر کرد به جای آنکه توسعه امنیت ملی خود را از طریق مشارکت در امنیت بین‌المللی دنبال کند به صورت فردی در پی تأمین منافع و امنیت ملی خود برآید (Blank, 2000:12).

سال‌های ۱۹۹۹-۲۰۰۰ در سیاست‌گذاری نظامی فدراسیون روسیه نقطه عطفی بود. در این زمان رئیس‌جمهور، بوریس یتسین از سمت خود استعفا و جای خود را به ولادیمیر پوتین که در ماه مارس ۲۰۰۰ به ریاست جمهوری انتخاب شد، داد. ارتش روسیه عملیاتی را

به منظور ورود به پرستینا<sup>۱</sup> و به چالش کشیدن نیروهای ناتو در کوزوو انجام داد و دور دوم جنگ داخلی چچن را آغاز کرد. به علاوه نیروهای ارتش روسیه بزرگترین تمرین نظامی ضدغربی را در دوره پسا شوروی به نام زاپاد<sup>۲</sup> ۹۹ انجام داد. سازمان دفاعی این کشور پیش‌نویس دکترین نظامی را در اکتبر ۱۹۹۹ منتشر کرد و دولت پیش‌نویس تدبیر امنیت ملی خود و بازبینی تدبیر امنیت ملی رسمی را در ژانویه ۲۰۰۰ منتشر کرد.

در سال ۲۰۰۰ ولادیمیر پوتین اولین سال دوره ریاست جمهوری خود را با امضای نسخه جدید اسناد اصلی امنیتی روسیه شروع کرد. به فاصله کمی از انتشار تدبیر امنیت ملی در ژانویه ۲۰۰۰، اسناد مهم دیگر امنیتی مانند دکترین نظامی و تدبیر سیاست خارجی نیز مورد بازبینی قرار گرفتند. ترتیب انتشار و نقطه‌نظرهای مشابه از مفاهیم گوناگون حاکی از رویکرد همه‌جانبه و هماهنگ‌شده در سیاست‌گذاری خارجی و امنیتی روسیه بود. دکترین نظامی جدید روسیه در ۲۱ آوریل سال ۲۰۰۰ توسط رئیس‌جمهور پوتین به امضاء رسید (Blank, 2010:3). سیاست خارجی روسیه که در سال‌های اولیه بعد از فروپاشی شوروی غرب‌گرایی شدیدی را تجربه کرد، در اواخر دهه ۹۰ میلادی به سوی گرایش‌های تند ملی‌گرایی ضدغربی سوق پیدا کرد. این مورد را در سند دومین دکترین نظامی امنیتی روسیه می‌توان مشاهده نمود. این دکترین جنبه تدافعی داشت و روسیه نیز پذیرفته بود که با تهدیدهای جدی از ناحیه غرب روبه‌رو است و باید در مقابل تهدیدهای موجود ایستادگی کند (کرمی، ۱۳۸۲: ۳۶).

همچنین در این سند نادیده‌گرفتن منافع روسیه در حل مسائل امنیتی بین‌المللی و مخالفت با تقویت روسیه به عنوان یکی از مراکز با نفوذ جهان چندقطبی به عنوان یکی از تهدیدهای اساسی خارجی مطرح شد. این مسئله در راستا هویت - نقش روسیه به عنوان قدرت بزرگ بودن بود. همچنین لشگرکشی نیروهای خارجی (بدون مجوز شورای امنیت) به خاک کشورهای مجاور و دوست روسیه، در کنار ایجاد بلوک‌ها و اتحادیه‌های نظامی علیه امنیت نظامی فدراسیون روسیه و متحدان آن به عنوان دیگر تهدیدهای اساسی خارجی مطرح شد (The Russian Federation Military Doctrine 2000, Article 5).

---

<sup>1</sup>. Pristina

<sup>2</sup>. Zapad 99

این دکترین دستیابی کامل به اهداف راهبردی سیاسی و نیز امنیت داخلی و خارجی روسیه را در معرض تهدید تعدادی از عواملی شامل دخالت در امور داخلی فدراسیون روسیه، تلاش‌ها برای نادیده گرفتن منافع فدراسیون روسیه در حل و فصل مشکلات بین‌المللی، تلاش‌ها برای مخالفت با افزایش نفوذ فدراسیون روسیه در سطح جهانی، گسترش بلوک‌ها و ائتلاف‌های نظامی، ورود نیروهای خارجی (بدون کسب اجازه از سازمان ملل) به قلمرو کشورهای مجاور فدراسیون روسیه، فشار بر حقوق شهروندان روسی در خارج از کشور بود (کرمی، ۱۳۸۲: ۳۶).

در دوم اکتبر سال ۲۰۰۳ سرگئی ایوانف<sup>۱</sup>، وزیر دفاع وقت روسیه وظایف اولویت‌دار توسعه نیروهای ارتش فدراسیون روسیه را منتشر کرد، این سند نه فقط دکترینی برای تشریح عملیات‌های نظامی این کشور بود، بلکه برای توصیف توانمندی‌های نظامی آن نیز بکار می‌رفت که به کتاب سفید دفاعی مشهور گشت. کتاب سفید ۲۰۰۳ حاوی موضعی دوگانه نسبت به غرب بود. از یک سو حاکی از نگرانی درباره گسترش نیروهای ناتو در قلمرو کشورهای تازه عضو شده در این پیمان بود، اما از سوی دیگر اشاره داشت به این که مشارکت ناتو- روسیه به رغم تفاوت‌های عمده تحکیم خواهد شد. علاوه بر این بیان کرده بود که جنگ‌های هسته‌ای و بزرگ مقیاس با ناتو یا ائتلاف‌های دیگر به رهبری ایالات متحده آمریکا دیگر محتمل نیست و این که روسیه انتظار همکاری با ایالات متحده آمریکا و دیگر کشورهای صنعتی را برای دستیابی به رشد و ثبات دارد. علاوه بر آنچه به طور کلی منافع ملی خوانده می‌شود، مانند حاکمیت دولت و یکپارچگی سرزمینی در کتاب سفید ۲۰۰۳ بر منافع روسیه تأکید می‌شود از جمله جلوگیری از تضعیف شورای امنیت و به‌کارگیری یک‌جانبه از زور به عنوان تهدیدی برای منافع سیاسی و نظامی روسیه، منافع مشروع اتباع روس در خارج از کشور، رشد نقش نیروی نظامی در تضمین منافع سیاسی و اقتصادی روسیه و احتمال به‌کارگیری پیش‌دستانه از نیروهای نظامی در جایی که منافع روسیه یا الزامات متحدان آن نیاز به آن داشته باشد (Blank, 2011:14).

پس از حمله تروریستی دوم اکتبر ۲۰۰۲ نورد اوست<sup>۲</sup> (گروگانگیری) در تئاتری در مسکو، ولادیمیر پوتین دستور بازبینی در تدبیر امنیت ملی این کشور و متعاقب آن دکترین امنیت ملی و دیگر اسناد پایین دستی آن را صادر کرد که متعاقب آن راهبرد امنیت ملی تا سال ۲۰۲۰

<sup>۱</sup>. Sergei Ivanov

<sup>۲</sup>. Nord Ost

روسیه منتشر گردید. در واقع، بر اساس این سند می‌توان تصریح نمود همچنان دو بال اصلی در سیاست‌های نظامی - امنیتی فدراسیون روسیه یکی به عضویت در شورای امنیت سازمان ملل متحد و دیگری به بازدارندگی هسته‌ای این کشور مربوط می‌شود و توجه به این مسئله در مفاد اصلی راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ به وضوح قابل تشخیص است. در این راهبرد تلاش شده است تا نقش سازمان ملل متحد به عنوان یکی از منابع اصلی قدرت بین‌المللی در نظر گرفته شود و از این طریق مسکو به تحصیل منافع خود بپردازد. با این وصف، فدراسیون روسیه به سازمان ملل متحد نگاه مثبتی داشته و این مسئله را در تدوین راهبرد امنیت ملی تا سال ۲۰۲۰ نیز مدنظر قرار داده است تا پیوستگی و ارتباط مؤثر با این سازمان به عنوان یکی از عناصر مهم، تأثیرگذار و کلیدی در رویکردها و سیاست‌های نظامی - امنیتی مسکو تلقی گردد (Hedenskog and Pallin, 2013:78).

در بخش نظامی، روسیه بیشتر از ناحیه سیاست‌های برخی کشورهای پیشرو که هدفشان دستیابی به برتری به‌ویژه در تسلیحات هسته‌ای راهبردی هستند احساس تهدید می‌کند. خطرهای بیشتری توسط ارتش روسیه شناسایی می‌گردد که شامل توسعه تسلیحات با فناوری بالا، استفاده از فناوری اطلاعات در جنگ و تسلیحات راهبردی غیر هسته‌ای است. در نظر آنها، نظامی کردن فضا و استقرار یک‌جانبه سیستم‌های دفاع موشکی منجر به تجدید رقابت‌های تسلیحاتی و افزایش تکثیر و تولید تسلیحات کشتار جمعی و پرتاب‌کننده‌های<sup>۱</sup> آنها می‌شود. بنابراین این راهبرد به روشنی ایالات متحده آمریکا را به عنوان مقصر در تمامی مشکلات امنیتی آینده جهان قلمداد می‌کند، هرچند روسیه همزمان تمایل دارد تا از ثبات و مشارکتی راهبردی برپایه برابری با ایالات متحده آمریکا پشتیبانی نماید. سرانجام، کیفیت روابط میان روسیه و ناتو به وسیله میزان گسترش نظامی ناتو به طرف مرزهای روسیه تعیین می‌شود. اگر ناتو منافع ملی روسیه را بپذیرد آنگاه مسکو اراده‌ای برای پیگیری و تحکیم تماس‌ها با این سازمان را دارد. در عین حال این راهبرد به ایالات متحده آمریکا به خاطر طرح‌های ادعایی برای حکمرانی بر جهان به تنهایی، حمله می‌کند. در مخالفت با طرح‌های جنجالی ایالات متحده آمریکا برای سیستم دفاع موشکی این راهبرد بیان می‌دارد، اگر در واقع این سیستم به کار گرفته شود، حفظ ثبات منطقه‌ای و جهانی خیلی دشوار خواهد شد. در این راهبرد، فدراسیون روسیه بیشتر وانمود کرده که ثبات راهبردی، تضمین امنیت و

---

<sup>۱</sup>. Launcher

برابری در مشارکت راهبردی با حضور نیروهای نظامی روسیه در مناطق درگیر در بحران و منازعه حفظ می‌گردد (Russia's National Security Strategy to 2020, Article 24). در پنجم فوریه سال ۲۰۱۰، روسیه دکترین جدیدی را منتشر کرد که به چهار بخش تقسیم شده بود. در این دکترین، تفکر امنیتی روسیه درباره تحولات جهانی دارای دیدگاه ترکیبی است. از یک طرف به کاهش تهدیدهای نظامی و سیاسی و از طرف دیگر به استفاده از نیروهای نظامی برای حل و فصل منازعه‌ها و تشدید خطرهای نظامی در برخی از حوزه‌ها اشاره شده بود. در دومین فصل که در خصوص خطرها و تهدیدهای نظامی است، اشاره شده که ساختار موجود امنیت جهانی، امنیت یکسانی را برای تمامی کشورها تضمین نمی‌کند (The Military Doctrine of the Russian Federation 2010, Article 7).

با توجه به منافع ملی این کشور، سه بعد دیگر نیز به‌طور خاص وارد سند گردید. اول، تمایل به گسترش کشورهای شریک برپایه منافع مشترک در تقویت امنیت بین‌المللی، البته این مورد احتمال دارد در رابطه با بلاروس و کشورهای عضو سازمان پیمان امنیت دسته جمعی<sup>۱</sup> و سازمان همکاری شانگهای<sup>۲</sup> باشد. بعد دوم، بندی است که برای حمایت از منافع روسیه و شهروندان آن در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی آمده است. حفاظت از روس‌های خارج از این کشور سه بار در این دکترین ذکر شده است که نشانه‌ای از هویت - نقشی است که روسیه برای حمایت از اقلیت‌های روس‌زبان در ورای مرزها برای خود قائل است. متعاقب قانون دفاع<sup>۳</sup> که پس از منازعه گرجستان در سال ۲۰۰۸ به تصویب رسید، مسکو خود را برای استفاده از نیروهای نظامی در خارج از این کشور محق می‌داند. سومین بعد، شامل ایجاد و آموزش تشکیلات ویژه‌ای از نیروهای نظامی و سایر نیروها در جهت منافع اقتصادی فدراسیون روسیه است (Ibid, Article 19). این مورد احتمال دارد با حفاظت از زیرساخت‌های انرژی، شامل منابع نفت و گاز و همچنین چشم‌انداز منابع آینده این کشور مانند آنچه در منطقه قطبی<sup>۴</sup> وجود دارد، مرتبط باشد.

در دکترین جدید علاوه بر تهدیدها به خطرهای نیز اشاره شده است. در واقع به نظر می‌رسد، تهدیدها اهمیت کمتری یافته‌اند. آنها تنها پس از خطرهای ظاهر می‌شوند. در فهرست خطرهای

<sup>1</sup>. Collective Security Treaty Organization (CSTO)

<sup>2</sup>. Shanghai Cooperation Organization (SCO)

<sup>3</sup>. Low on Defence

<sup>4</sup>. Polar Region



مشخص شده در این دکترین تا حد زیادی به غرب اشاره شده است. در این فهرست اول از همه خطر جهانی کردن فعالیت‌های سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) و تلاش برای گسترش ساختارهای نظامی در نزدیکی مرزهای روسیه و گسترش اعضای این پیمان ذکر شده است (Ibid, Article 8). به‌طور واضح این مورد به تمایل ناتو برای گسترش از طریق پذیرش عضویت گرجستان - تا انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۰- و اوکراین در آن اشاره داشت. خطر بعدی که در این دکترین به آن اشاره شده بود، خطر به‌کارگیری (یا گسترش) نیروهای نظامی در سرزمین‌هایی در همسایگی روسیه یا متحدان آن است. این موضوع احتمال دارد به حضور ارتش آمریکا در رومانی و بلغارستان اشاره کند. از دیگر موارد موجود در فهرست خطرها، می‌توان به توسعه و به‌کارگیری سیستم‌های دفاع موشکی اشاره کرد، اگرچه به‌طور مشخص ذکر نشده است. احتمال دارد این بند به این معنا باشد که شبکه جهانی دفاع موشکی ایالات متحده آمریکا شامل لهستان و جمهوری چک به عنوان خطری برای امنیت ملی روسیه در نظر گرفته شده است. در ادامه ادعاهای سرزمینی علیه روسیه و متحدان آن ذکر شده است. در نهایت این دکترین خطر استفاده از نیروهای نظامی در سرزمین‌های همسایه روسیه با نقض منشور ملل متحد و دیگر هنجارهای حقوق بین‌الملل را بیان می‌کند (Ibid). این مورد احتمال دارد به حمله ناتو به صربستان در منازعه سال ۱۹۹۹ کوزوو و یا حمله گرجستان به اوستیای جنوبی در ۲۰۰۸ اشاره داشته باشد.

منافع و حقوق اتباع روسی در خارج از کشور به‌طور ویژه در جمهوری‌های جدا شده از اتحاد جماهیر شوروی که در روسیه به خارج نزدیک معروف هستند از دیگر عوامل مکرر ذکر شده در اسناد امنیتی و نظامی در دهه اول قرن حاضر بود. در اوت ۲۰۰۸ برای اولین بار در منازعه گرجستان این بند از دکترین به‌کار گرفته شد. پس از ورود این مهم در قانون دفاعی کشور، احتمال این که عملیات‌های نظامی در خارج از کشور با هدف ادعایی حفاظت از اقلیت‌های روس‌تبار صورت بگیرد بالاتر رفته است. این مسئله مرتبط با بندی است که استفاده از نیروهای نظامی روسی در خارج از کشور در حوزه‌هایی با اهمیت راهبردی را تبیین می‌نماید. هر دو موضوع احتمال دارد با تفکر مشترک نخبگان امنیتی روسیه که معتقد هستند، منطقه اتحاد جماهیر شوروی هنوز در حوزه نفوذ مشروع روسیه قرار دارد مرتبط است. در پیوند با این طرز تفکر، گسترش ناتو به سمت شرق و تشویق جمهوری‌های جدا شده از اتحاد جماهیر

شوروی - گرجستان و اوکراین - برای پیوستن به این ائتلاف که در اسناد امنیتی و نظامی مختلف فدراسیون روسیه مورد مخالفت واقع گردید، قرار دارد (Hass, 2011:52).

در ادامه در سال ۲۰۱۳، سند جدیدی با عنوان تدبیر سیاست خارجی روسیه<sup>۱</sup> منتشر شد که در این سند، اهداف سیاست خارجی روسیه که بازتابی از آرزوی مقام‌های این کشور برای تقویت جایگاه فدراسیون روسیه در نظام بین‌الملل و قدرت بزرگ به حساب آمدن این کشور است، ذکر شده است. از جمله این اهداف، می‌توان به تقویت امنیت ملی، تقویت حاکمیت، یکپارچگی سرزمینی و جایگاه این کشور در جامعه بین‌المللی به عنوان یکی از موثرترین قدرت‌ها، تقویت صلح بین‌المللی، امنیت و ثبات مشترک، ایجاد نظام بین‌المللی برپایه رویکرد دسته‌جمعی به منظور حل مشکلات، برتری حقوق بین‌الملل، اول و مهم‌تر از همه منشور سازمان ملل و مشارکت برابر ملت‌ها تحت حمایت ملل متحد به عنوان سازمان نخستین برای تنظیم روابط بین‌الملل، ترویج رشد اقتصادی، مدرن سازی فناوری و ابتکارها، ارتقاء شرایط زندگی، تقویت حکومت قانون، نهادهای دموکراتیک و حقوق بشر، توسعه روابط حسنه با کشورهای همسایه روسیه و همکاری برای فرونشاندن منازعه‌های موجود و آینده، توسعه مشارکت منصفانه و برابر با کشورها و سازمان‌های بین‌المللی برپایه احترام به استقلال و حاکمیت و نیز بر اساس عملگرایی، شفافیت، رویکرد چندمحوری، پیش‌بینی‌پذیری و عدم رویاروی، توسعه اتحادهای منعطف بدون تعهد که در آنها روسیه نقش فعالی بازی می‌نماید، تقویت تجارت بین‌الملل و ترویج منافع اقتصادی در خارج از کشور، جلوگیری از تبعیض علیه کالاها، خدمات و سرمایه‌گذاری روسیه، حمایت از منافع و حقوق قانونی شهروندان و هم‌میهنان خارج از کشور، تقویت جایگاه زبان روسی در خارج از کشور و تقویت گفتگو و مشارکت بین تمدن‌ها به منظور ایجاد و فهم تفاوت‌های فرهنگی و مذهبی اشاره نمود- (Concept of the Foreign Policy of the Russian... 2013, Articles 31-34).

تقویت جایگاه روسیه در نظام بین‌الملل و همچنین تأکید دوباره بر نقش بی‌بدیل سازمان ملل که فدراسیون روسیه در آن دارای حق و تو است در چارچوب نگاه امنیتی این کشور، نشان از اهمیت هویت - نقش قدرت بزرگ جهانی بودن برای روس‌ها است. از طرفی نیز تأکید بر حمایت از منافع روس‌زبان‌های خارج از این کشور در این سند منتج از هویت -

<sup>۱</sup>. The Foreign Policy Concept of The Russian Federation

نقش حامی روس‌زبان‌های خارج از این کشور است که مقام‌های مسکو در سال‌های پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات امنیتی خود آن را به صورت جدی مدنظر قرار داده‌اند.

در سال ۲۰۱۴ ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه دکتترین جدید نظامی این کشور را که در ۲۵ دسامبر همان سال اجرایی شد جایگزین نسخه قبلی فوریه ۲۰۱۰ نمود. این دکتترین توسط کارگروه شورای امنیت این کشور تهیه شده و پیش از وقوع بحران اوکراین در ژوئیه ۲۰۱۳ به کار گرفته شده بود. بنابراین همزمان ارائه پاسخی به وخیم شدن منازعه جاری نیز بود. این سند همچنین تغییرات وسیع‌تری در محیط سیاست داخلی و خارجی روسیه را مورد خطاب قرار می‌داد. مانند نسخه سال ۲۰۱۰، دکتترین جدید نظامی میان خطرهای نظامی و تهدیدهای نظامی تفاوت قائل می‌شود. خطرهای پیش‌سازهای تهدیدهایی هستند که حاوی احتمال واقعی از وقوع یک بحران نظامی را در خود دارند. سناریوهایی که به‌طور آشکار با ناتو و نهانی با ایالات متحده آمریکا در ارتباط است و همچنان در صدر فهرست خطرهای نظامی خارجی قرار دارد، با اشاره روشنی که به گسترش بلوک، تمایل به جابه‌جایی زیرساخت‌های نظامی به نزدیکی‌های مرزهای روسیه و به‌کارگیری ادوات نظامی دولت‌های خارجی در کشورهای همسایه دارد. مورد اخیر در ارتباط با نقشه‌راه آماده‌ای است که ناتو برای اعضای اروپای شرقی در سپتامبر ۲۰۱۴ موافقت کرد. این دکتترین همچنین به گسترش ناتو و تمایل این سازمان برای توسعه کارکرد جهانی خود حتی با نقض حقوق بین‌الملل اشاره می‌کند. مانند عملیات‌های خارج از حوزه، تحت پوشش ناتو بدون اجازه سازمان ملل (کوزوو در سال ۱۹۹۹) یا با نقض قطعنامه شورای امنیت (لیبی در سال ۲۰۱۱).

در این دکتترین نظامی، تحلیل خطرهای و تهدیدها بیشتر از گذشته بر ناتو و بالاتر از آن ایالات متحده آمریکا متمرکز گردیده است. همچنین در این سند نظامی توجه بیشتری به تحولات خارج نزدیک روسیه شده است. این امر پیامد مستقیم بحران اوکراین و نیز بیانگر بالا رفتن جسارت روسیه در فضای پس از اتحاد جماهیر شوروی است. دولت‌هایی که منافع روسیه را تهدید می‌کنند، تنش‌های قومیتی و مذهبی و ادعاهای سرزمینی علیه روسیه که لبه تیزتری را پس از الحاق کریمه به‌دست آورده‌اند به عنوان تهدیدهای نظامی دسته‌بندی شده‌اند (The Military Doctrine of the Russian Federation 2015, Article 14).

دکترین نظامی ۲۰۱۵ نشان‌دهنده تمایل مسکو برای امنیتی‌نگریستن به مشکلات داخلی است. کرملین بهار عربی و انقلاب‌های رنگی را فرآیندی که از خارج برانگیخته شده توصیف می‌کند و خود را هدفی برای نقشه‌های تغییر رژیم غربی‌ها می‌پندارد. علاوه بر توان نظامی ناتو و ایالات متحده، توانمندی‌های نرم اتحادیه اروپا نیز به عنوان تهدید نگریسته می‌شود (Ibid, Article 19). این دکترین نظامی بازتاب‌دهنده وضعیت روابط تنش‌آمیز میان روسیه و غرب نیز است. ظرفیت منازعه مستقیم و غیرمستقیم در پرتو برخی تحرکات نظامی از جمله، پرواز هواپیماهای روسی نزدیک به مرزهای ناتو و بالعکس و یا اعلام خریدهای تسلیحاتی هرچند که در پرتو بحران اقتصادی اجرای آن محل تردید است وجود دارد. البته تغییر واقعی شامل جنگ غیرخطی است که مسکو ممکن است در آینده در دیگر کشورهای پسا اتحاد جماهیر شوروی نیز به کار برد.

به‌طور خلاصه می‌توان گفت که تمام آن چیزی که دکترین نظامی سال ۲۰۱۵ روسیه به آن اشاره می‌کند، گفتگو برابر با ناتو و ایالات متحده آمریکا است. در عین حالی که همکاری‌های خود را با بلاروس، سازمان پیمان امنیت دسته جمعی، سازمان همکاری شانگهای و دو بخش جدا شده آبخازیا<sup>۱</sup> و اوستیا<sup>۲</sup> تقویت می‌نماید (Klein, 2015: 5). مسئله اولیه روسیه این است، قدرت بزرگ باشد و از غرب این خواسته را دارد که به روسیه و حوزه نفوذ آن احترام بگذارد.

در روز ۳۱ دسامبر سال ۲۰۱۵، ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه راهبرد جدید امنیت ملی این کشور را مورد تأیید قرار داد که در حدود یک سال پس از انتشار دکترین نظامی سال ۲۰۱۵ روسیه منتشر گردید. این راهبرد، سند برنامه‌ریزی راهبردی کلیدی است که منافع و اولویت‌های ملی راهبردی فدراسیون روسیه و اهداف سیاست خارجی و داخلی این کشور و راه‌کارهای تقویت امنیت ملی و تضمین ثبات کشور و توسعه بلندمدت آن را تبیین می‌کند. این سند اشاره می‌کند که تقویت جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی روسیه و سیاست خارجی و داخلی مستقل این کشور، ایالات متحده و متحدان آن را تحریک می‌کند که به ابتکارهای واکنشی دست بزنند چرا که آنها در پی حفظ سلطه خود در جهان هستند. بنابراین آنها سیاستی را برای تحت فشار گذاشتن روسیه دنبال می‌کنند که شامل فشارهای

<sup>1</sup>. Abkhazia

<sup>2</sup>. Ossetia

سیاسی، اقتصادی، نظامی و اطلاعاتی است. لذا اولویت ملی روسیه و منافع ملی بلندمدت این کشور «تحکیم جایگاه فدراسیون روسیه به عنوان یکی از قدرت‌های بزرگ پیشرو جهان که اقدامات آن با اهداف تضمین امنیت و ثبات راهبردی و مشارکت سودمند در دنیایی چند قطبی است» (Russian National Security Strategy 2016, Articles 7-13).

این سند بر این که نقش زور به منظور ایجاد سلطه در روابط بین‌الملل همچنان تداوم دارد، صحنه می‌گذارد. اشتیاق برای افزایش و مدرن کردن تسلیحات تهاجمی تنها به تضعیف امنیت جهانی و نظام معاهده‌ها و توافق‌های بین‌المللی کنترل تسلیحات می‌انجامد. گسترش ناتو و نزدیکی این پیمان به سمت مرزهای روسیه تهدیدی برای امنیت ملی روسیه قلمداد شده است. «توسعه ظرفیت نیروهای ناتو و بخشیدن کارکرد جهانی به آن که در نقض هنجارهای قانونی بین‌المللی به کار گرفته می‌شود، فعال شدن نظام بلوکی، گسترش ادامه‌دار و نزدیکی زیرساخت‌های ناتو به مرزهای روسی، همگی در راستا تهدید امنیت ملی است» (Ibid, Articles 15- 16).

همچنین در این سند اشاره شده که تحریک انقلاب‌های رنگی<sup>۱</sup> یکی از مهم‌ترین تهدیدها برای امنیت روسیه است. بر این اساس مناطق همسایه روسیه با اصطلاحاتی چون رقابت‌های تسلیحاتی و نظامی‌گری توصیف شده است. در این راستا، مهم‌ترین تهدید برای امنیت اجتماعی روسیه فعالیت گروه‌ها و سازمان‌های اجتماعی افراطی هستند که با استفاده از ایدئولوژی‌های ملی‌گرایانه افراطی مذهبی، سازمان‌های مردم‌نهاد خارجی و بین‌المللی و سازمان‌های مالی و اقتصادی و نیز افراد شخصی با هدف تخفیف اتحاد و یکپارچگی سرزمینی فدراسیون روسیه، بی‌ثبات کردن وضعیت سیاسی و اجتماعی داخل این کشور از راه‌هایی مانند برانگیختن انقلاب‌های رنگی و تخریب ارزش‌های اخلاقی معنوی سنتی روسیه فعالیت می‌کنند (Ibid, Article 17).

این راهبرد، ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا را برای حمایت از کودتای سال ۲۰۱۴ میدان اروپای اوکراین ملامت کرده و اشاره می‌کند که حمایت ایالات متحده و اتحادیه اروپا از کودتای ضد قانون اساسی در اوکراین منجر به انشقاق عمیق در جامعه اوکراین و منازعه نظامی شد. همچنین، بیان می‌دارد تلاش غرب برای مقابله با فرآیندهای همگرایی و ایجاد نقاط داغ در منطقه اوراسیا تأثیر منفی بر منافع ملی روسیه دارد. این راهبرد تأکید می‌کند،

---

<sup>۱</sup>. Colour Revolution

تحکیم و تقویت ایدئولوژی ملی گرایانه راست افراطی، تلاش عمده برای خلق تصویر عمومی از روسیه به عنوان دشمن اوکراین است که این کشور را به منبعی از بی ثباتی در اورآسیا و در همسایگی روسیه تبدیل کرده است (Oliker, 2016).

در ادامه، روند انتشار اسناد امنیتی سیاسی در تاریخ ۳۰ نوامبر سال ۲۰۱۶ سند جدید تدبیر سیاست خارجی که ولادیمیر پوتین، رئیس جمهوری فدراسیون روسیه امضاء نموده بود، منتشر شد. در این سند اشاره شده است که دنیای امروز دستخوش تغییرات جدی و تحولاتی شده است که به دنبال شکل گیری سیستم بین المللی چندمرکزی رخ می دهند. پیکره روابط بین الملل در مسیر پیچیده تر شدن به پیش می رود. در نتیجه فرایند جهانی سازی، مراکز جدید نفوذ اقتصادی و سیاسی شکل می گیرند. در بند ۲۴ این سند آمده است که «سازمان ملل باید مرکز حل و فصل مناسبات بین الملل و هماهنگی سیاست های جهانی در قرن ۲۱ باشد زیرا این سازمان از سوی تمام دنیا مورد تأیید بوده و در عمل گزینه جایگزینی برای آن وجود ندارد» (متن کامل سند تدبیر سیاست خارجی روسیه ۲۰۱۶، بند ۲۴).

در ارتباط با غرب و ناتو در بند ۶۱ این سند آمده است، «مشکلات سیستمیک و نظام مندی که طی ربع قرن اخیر در منطقه اروپا-آتلانتیک روی هم انباشته شده اند، بیانگر آن است که توسعه طلبی ژئوپلیتیک<sup>۱</sup> سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) و اتحادیه اروپا و عدم تمایل برای پیاده سازی بیانیه های سیاسی درباره تشکیل سیستم امنیت و همکاری اروپا به بحران جدی در روابط میان روسیه و دولت های غربی انجامیده است. خط مشی هایی که آمریکا و متحدان آن برای بازدارنگی در برابر روسیه دنبال می کنند و اعمال فشار سیاسی، اقتصادی، اطلاعاتی و سایر فشارها بر آن، ثبات منطقه ای و جهانی را برهم می زند و به منافع بلندمدت همه طرف ها آسیب می زند و با نیازهای فزاینده به همکاری و مقابله با تهدیدها و چالش های فراملی در شرایط کنونی مغایرت دارد» (Foreign Policy Concept of Russian Federation 2016, Article 61).

### ۳. جایگاه غرب

به منظور درک نگاه روسیه نسبت به غرب ضروری است تا زمینه ها و موقعیت های در حال دگرگونی این کشور را در نظر بگیریم. فدراسیون روسیه خودش را امپراتوری می بیند که

<sup>۱</sup>. Geopolitics

بیشتر قدرت‌ها، نفوذ منطقه‌ای و جهانی و متحدان منطقه‌ای خود را از دست داده است. این قبیل مسائل، هویت، سیاست خارجی و راهبرد امنیتی روسیه را شکل داده و می‌دهد. از زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، روسیه تلاش کرده تا جایگاه خود را در جهان مشخص نماید. روسیه سرنگونی یک امپراتوری، پایان دوقطبی و فروپاشی نظام اقتصادی و در نتیجه از دست رفتن جایگاه بین‌المللی خود را تجربه کرده است. تلاش سیاست خارجی روسیه به عنوان میراث‌دار اتحاد جماهیر شوروی بر بدست آوردن دوباره آنچه از دست داده متمرکز بوده است.

پس از پایان جنگ سرد و متعاقب شکست روسیه در وارد شدن به ساختار امنیتی اروپایی و فرآتلانتیکی، مسکو شروع به جستجوی جایگاه خود در نظام بین‌الملل به وسیله تکیه بر گفتمان‌ها و ایده‌های بزرگ داخلی نمود که از درون این کشور و نیز از طریق بازتفسیر تاریخ روسیه به صورت مجزا از فرآیندهای جهانی سرچشمه می‌گرفت. در سال‌های اخیر، مسکو تلاش نمود تا در ملغمه‌ای از گفتمان‌های هویت ملی، گفتمان‌های امنیت بین‌المللی و اهداف ثابت داخلی غوطه‌ور شود. در هر سه حوزه، کرملین می‌دید که تهدیدها از ناحیه غرب می‌آیند. در سال‌های اخیر دکترین‌های سیاست خارجی روسیه بیشتر از ایده‌های بومی درباره هویت روسی نشأت می‌گیرند تا مفهوم‌سازی‌های موجود از نظامی جهانی که در نظریه‌ها و رویه‌های روابط بین‌الملل توسعه پیدا کرده است. در این سال‌ها سرریز قابل توجهی از گفتگوها درباره هویت ملی روسیه به سیاست خارجی صورت گرفته است که تنش‌های خطرناکی را میان روسیه و دولت‌های غربی و در عمل تمامی دولت‌های پسا شوروی بوجود آورده است.

ایده‌های بزرگی در تاریخ روشنفکری روسیه وجود دارد که توسط کرملین به عنوان زیربنای جهان‌بینی آن اتخاذ شده از جمله باور عمیق به استثناء‌گرایی روسی، ردکردن طبیعت اروپایی تمدن روسی، ترسیم غرب به عنوان رقیب یا دشمن و این عقیده راسخ که روسیه مأموریت تمدنی و معنوی خاصی در میان مردم همسایه خود در اوراسیا دارد. این عقاید ریشه عمیق در قرن‌های گذشته و در منازعه‌های قدیمی درباره هویت روسی دارد. امروزه، گفتمان‌های کلیدی که از یک طرف هویت ملی روسی را شکل می‌دهد و از طرف دیگر محرک سیاست خارجی این کشور است؛ شامل باور پایدار که روسیه قدرت بزرگ است و در نظام بین‌الملل بایستی به عنوان قدرت بزرگ به شمار آمده و با آن تعامل گردد؛ باور به

وجود تمدن عظیم روسی که از تمدن غربی متفاوت است و تنش میان مرزهای واقعی فدراسیون روسیه و نقشه‌های ذهنی روسیه بزرگ که در ذهن بسیاری از روس‌ها قرار دارد. روسیه بازیگر چشم‌اندازنگری است که ریسک بزرگتری انجام می‌دهد تا از شکست جلوگیری نماید و ریسک کوچکتری انجام می‌دهد تا فرصت‌های جدیدی را تضمین نماید. این کشور در پی حداکثر رساندن امنیت خود (دفاع در برابر چالش‌های خارجی) و حداکثر رساندن قدرت (در سطح منطقه‌ای و کسب جایگاه قدرت بزرگ در نظام بین‌الملل است) (Herd, 2019). به‌طور کلی و بر اساس اسناد راهبردی منتشره از سوی فدراسیون روسیه چهار باور در نگاه روسی به ترتیبات امنیتی بین‌المللی را می‌توان برشمرد؛ ۱. جهان در حال گذار از نظم تک‌قطبی به نظم چندقطبی است و بن‌مایه آن ایجاد نظام چندمرکزی در روابط بین‌الملل است؛ ۲. اگرچه چند قطبی‌گرایی، وضعیت غیرقابل وقوع پایانی از سیستم جهانی نیست، برخی از نیروها (غرب) هدفشان حفظ ساختار جهانی تک قطبی که منافع، ارزش‌ها و نهادهای غربی بر آن مسلط باشند و فرآیندی منفی برای روسیه و منبعی برای بی‌ثباتی بین‌المللی به شمار می‌آید است؛ ۳. نقشی که روسیه برای خود متصور است در جهان مدرن، تبدیل شدن به قطب مستقل و قوی قدرت است با این آرزو که تبدیل به مرکزی تأثیرگذار در جهان امروز شود و ۴. روسیه طرفدار منطقه‌گرایی در حال گسترش در جهان است. به دلیل شکل‌گیری چندقطبی‌گرایی، جهان شاهد رشد منطقه‌گرایی با تنوع فرهنگی و تمدنی و وجود الگوهای توسعه‌ای چندگانه روشن‌تر از همیشه است (Jonavicius et al, 2019:7-8).

به منظور فهم نگاه امنیتی روسیه نسبت به غرب با بررسی اسناد راهبردی فدراسیون روسیه می‌توان پی برد، استفاده از اصطلاح غرب هرچند در این اسناد تا حدی مبهم است، ولی چهار معنای مختلف که با یکدیگر تداخل هم دارند را می‌توان شناسایی کرد؛ ۱. اول از همه «غرب» در بعضی جاها در شکل سنتی انتزاعی آن به کار رفته است که شامل تمام منطقه یورواتلانتیک می‌شود که نویسندگان اسناد به نظر معتقد هستند این منطقه تحت سیطره ایالات متحده آمریکا قرار دارد. از این منظر، غرب بیشتر منفی توصیف می‌شود با ویژگی‌هایی که به طور معمول برای ایالات متحده آمریکا به کار می‌رود. در این اسناد تلاش‌ها برای تضعیف یا نادیده انگاشتن سازوکارهای موجود برای تضمین امنیت بین‌الملل (بیش از همه سازمان ملل متحد و سازمان امنیت و همکاری اروپا) یا استفاده از اقدامات نظامی به



عنوان ابزار مداخلات انسان‌دوستانه مورد انتقاد قرار گرفته است؛ ۲. غرب با این حال که شکل‌های جدیدی به خود گرفته است هنوز شامل بیشتر مناطق یوروآتلانتیک بوده و ناتو معرف آن است. خیلی شگفت‌آور نیست که ناتو در ذهن روس‌ها هنوز بر اثر تقسیم‌بندی‌های دوران جنگ سرد به عنوان اصطلاحی منفی نگریسته شود. در این اسناد تأکید شده که در برخی از مؤلفه‌ها، موقعیت نظامی و سیاسی فعلی ناتو با منافع امنیتی فدراسیون روسیه هم‌خوانی نداشته و برخی از آنها به طور مستقیم در تضاد با آن قرار دارد. همچنین تقویت بلوک‌های نظامی-سیاسی، بیش از همه گسترش ناتو به شرق در میان تهدیدهای بنیادین امنیت ملی روسیه فهرست شده است؛ ۳. سومین دسته‌بندی غرب به معنای ایالات متحده آمریکا به کار رفته است. با وجود تلطیف فضا در سال‌های پس از سپتامبر ۲۰۰۱ و در فضای مبارزه با تروریسم بین‌الملل، نگرش روس‌ها به ایالات متحده آمریکا به‌طور آشکارا منفی است.

در بیشتر از سه درک و دریافت روس‌ها از غرب، ایالات متحده آمریکا به عنوان نیروی نظامی با ملاحظه ظرفیت اقتصادی عظیم آن و تمرکز انحصاری بر قابلیت‌های نظامی در نظر گرفته شده است. متن اسناد بررسی شده وقتی به صورت صریح ایالات متحده آمریکا را مورد خطاب قرار می‌دهد بیشتر دیپلماتیک به نظر می‌رسد. روسیه آماده می‌شود تا از هدف متفاوت خود از نظام جدید جهانی و اشتیاق خود برای نظام چندجانبه‌گرایی دفاع کند، در حالی که ایالات متحده به عنوان مهم‌ترین حامی ساختار یک‌جانبه‌گرایانه نگریسته می‌شود. اما در زمانی که از ایالات متحده به طور مستقیم نام برده نمی‌شود، هرچند موضوع مطرح شده به طور آشکار نمایان است که در ارتباط با چه چیزی است، اسناد صریح‌تر هستند؛ ۴. آخرین بخش غرب که اغلب با آن بصورت جداگانه‌ای برخورد شده اروپا به‌ویژه اتحادیه اروپا یا شورای اروپا است. هرچند اروپا با غرب یکسان در نظر گرفته می‌شود، به نظر در نگاه روسی موقعیت متفاوتی را به خود گرفته است. اروپا تنها وقتی منفی نگریسته می‌شود که تأکید بر سیطره ایالات متحده بر اروپا می‌شود و در غیر این صورت با اتحادیه اروپا بصورت خنثی و یا حتی مثبت برخورد می‌شود. تفاوت بین ادارک اروپا/اتحادیه اروپا و دیگر اشکال غرب (به‌ویژه ناتو و ایالات متحده) را می‌توان به بهترین نحو در توصیف فرآیند گسترش اتحادیه اروپا و ناتو دید. در حالی که گسترش ناتو به‌طور مکرر به عنوان یکی از تهدیدهای عمده منظور گردیده است و نویسندگان اسناد تلاش‌های قابل توجهی برای نشان دادن نظر منفی درباره گسترش ناتو انجام داده‌اند، گسترش اتحادیه اروپا به عنوان مؤلفه‌های عینی توسعه اروپا توصیف شده است.

در نهایت اگر بسامد هریک از تعابیر ذکر شده برای غرب را در اسناد راهبردی روسیه مورد توجه قرار دهیم به این نتیجه می‌رسیم، اروپا یا اتحادیه اروپا مثبت‌ترین ارزیابی‌ها را به خود اختصاص داده و ناتو بدترین ارزیابی را داشته است. تنش‌های قدیمی در روابط با ایالات متحده آمریکا و ناتو به نظر آمریکا و ناتو را از اتحادیه اروپا جدا کرده و غرب هنوز در میانه قرار دارد. اتحادیه اروپا چندین بار به عنوان غرب به کار رفته است، اما ایالات متحده آمریکا و پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) بیشتر به عنوان تهدیدهای منافع سیاست خارجی و امنیت ملی روسیه محسوب شده‌اند.

بنابراین هویت - نقش روسیه در برابر غرب نیز به نقش‌های مستقل کمابیش متعددی تجزیه می‌شود که برگردان درک دوگانه قدیمی از غرب است. از یک طرف، ما غرب را داریم که در اتحادیه اروپا خلاصه می‌شود، صلح‌آمیز و تا حدی دارای ضعف نظامی تصور می‌شود، نگاه روسیه نسبت به غرب را می‌توان بیشتر در این خصوص مثبت و به عنوان «شریک کلیدی»<sup>۱</sup> توصیف کرد. از طرف دیگر، ایالات متحده آمریکا قرار دارد که دارای قدرت نظامی و برتری فناوری است و ناتو به عنوان ابزار سیاست خارجی این کشور است در نظر گرفته می‌شود که متضمن تصویر دیگر غرب از نگاه روسیه است. در این نگاه غرب متمایل به جنگ و به لحاظ نظامی قدرتمند بوده که در برگزیده خطر واقعی برای روسیه است.

در حالی که ارزیابی درجه عینیت بخشی و طبیعی قلمداد کردن انواع مختلف تصویر غرب دشوار است به نظر امکان دارد که تصاویر مرتبط با میراث جنگ سرد عمق بیشتری داشته باشند و بنابراین دگرگونی آنها مشکل‌تر از آنهایی که با اروپا مرتبط است باشد. اشاره‌های متناوب به ناتو به عنوان یادگار گذشته یا انتقاد از ایالات متحده آمریکا برای ذهنیت جنگ سردی در مقایسه با تحولات گشایشی پویا و عینی در دوران اتحادیه اروپا مؤید این مطلب است.

### نتیجه‌گیری

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی دگرگونی‌های بنیادینی را در نظام بین‌الملل و هم در روسیه در پی داشت. بازتعریف هویت ملی، منافع ملی و رویکردهای سیاست خارجی در این

---

<sup>۱</sup>. Key Partner

دوران اهمیت بالا و پیچیدگی‌های زیادی را پیش‌روی روس‌ها قرار داده بود. در این میان نحوه تعامل این کشور با غرب در فضای جدید، با توجه به فراز و نشیب‌هایی که در چند سده اخیر در روابط فیمابین روسیه و غرب وجود داشته، یکی از ملاحظات مهم در تدوین سیاست خارجی، امنیتی و نظامی این کشور بود.

پرسش اصلی که در این مقاله مطرح شد جایگاه هویت در شکل‌گیری نگاه امنیتی فدراسیون روسیه در قبال غرب در دوران پساجنگ سرد بود. به منظور پاسخ به این پرسش و با کمک گرفتن از مفهوم هویت در نظریه سازه‌انگاری و با تکیه بر مفهوم هویت - نقش فرضیه‌ای مطرح گردید به این مضمون که هویت - نقش‌هایی چون قدرت بزرگ جهانی تلقی شدن، هژمون مهربان برای کشورهای خارج نزدیک روسیه (جمهوری‌های جدا شده از اتحاد جماهیر شوروی) و حامی روس‌زبان‌ها، بر نوع نگاه امنیتی روسیه نسبت به غرب تأثیر مهمی برجای گذاشته و سبب شکل‌گیری نگاه تهدید محور نسبت به غرب شده است.

به منظور آزمون این فرضیه در ابتدا به جایگاه غرب در شکل‌گیری هویت روسیه اشاره شد. بر اساس یافته‌های این پژوهش مشخص گردید که مهمترین «دیگری» روسیه که بر شکل‌گیری هویت متمایز این کشور تأثیر بسزایی برجای گذاشته غرب است. همانطور که ذکر شد مقوله هویت، خود به هویت - نقش‌های متعدد و گاهی متفاوتی تقسیم می‌شود، نحوه تعامل غرب شامل کشورهای اروپایی، ایالات متحده آمریکا و ناتو با هریک از این هویت - نقش‌های روسی در شکل‌گیری نگاه امنیتی روسیه به غرب تأثیر گذاشته است. یکی از ابعاد مهم در هویت روسی که در جای جای اسناد امنیتی منتشره این کشور به صورت صریح و ضمنی نمایان است، تصویر مقام‌های روسی از این کشور به عنوان قدرت بزرگ جهانی و حتی در برخی از زمینه‌ها برابر با ایالات متحده آمریکا است. در پی چنین درک و تصویری از خود است که نادیده گرفته شدن این جایگاه توسط غرب به‌ویژه ایالات متحده آمریکا در حل و فصل مسائل منطقه‌ای و جهانی تأثیر عمیقی بر نگاه امنیتی و راهبردی روسیه در تعامل با غرب که به‌طور عمده تحت تسلط ایالات متحده در نظر گرفته می‌شود برجای می‌گذارد و تصمیم‌ها و اقدام‌های غرب در چنین مواردی از ناحیه روس‌ها تلقی تهدید می‌شود.

ایفای نقش سلطه‌گر مهربان (برادر بزرگ‌تر) برای جمهوری‌های جدا شده از اتحاد جماهیر شوروی از دیگر ابعاد هویتی روسیه است. نقشه‌های ذهنی روس‌ها که در چند سده اخیر شکل گرفته است، پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، منطبق با مرزهای جدید

جغرافیایی این کشور نیست. روس‌ها کماکان بر جایگاه بی‌بدیل و برتر خود در مناطق پیرامونی این کشور تأکید دارند و هرگونه نفوذ و حضور قدرت‌های دیگر در این مناطق و تلاش مقام‌های این جمهوری‌های استقلال یافته برای خدشه وارد کردن بر تصویر هژمونیک روسیه در کشورهای خود به‌ویژه با نزدیکی به غرب و سازورکارهای غربی همچون ناتو، سبب احساس تهدید شدید و بروز واکنش‌های جدی از سوی روسیه مانند نمونه گرجستان در سال ۲۰۰۸ و اوکراین در سال ۲۰۱۴ می‌شود.

مؤلفه دیگر هویت روسی، نقشی است که روس‌ها در حمایت از اقلیت‌های روس‌زبان در کشورهای همسایه برای خود قائل هستند. در راستا تلقی چنین رسالتی برای خود، مقام‌های روس در طول سه دهه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی نشان داده‌اند که در دفاع از این اقلیت‌ها در مواقعی که نسبت به سرنوشت آنها درون کشورهای آنها احساس تهدید کرده‌اند دست به اقدام زده‌اند. هرچند این بعد از هویت روسی، بیشتر نقش مکمل را برای سایر ابعاد هویت روسی و واکنش‌های این کشور در قبال تحولات منطقه‌ای و حوزه پیرامونی خود داشته است.

با توجه به ریشه‌های هویتی تاریخی روس‌ها و هویت‌های نقشی که به صورت برجسته و عینیت یافته در آنها وجود دارد، یعنی هویت نقش قدرت بزرگ قلمداد شدن، سلطه‌گر مهربان برای کشورهای استقلال یافته از قلمرو شوروی و همچنین حامی اقلیت‌های روس‌زبان در کشورهای همسایه و با مروری بر اسناد راهبردی روسیه روشن شد که مقوله هویت روسی نقش مهم و تأثیر عمیقی بر شکل‌گیری نوع نگاه امنیتی این کشور در برابر مهم‌ترین دیگری هویتی آن یعنی غرب به سرکردگی ایالات متحده آمریکا و بازوی نظامی و امنیتی آن پیمان نظامی آتلانتیک شمالی (ناتو) بر جای گذاشته و این موضوع سبب ایجاد احساس تهدید در سطوح مختلف از ناحیه روس‌ها شده است.

#### منابع و مأخذ

- کرمی، جهانگیر (۱۳۸۲)، «هویت ملی و سیاست روسیه در خارج نزدیک»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال دوازدهم، دوره سوم، شماره ۴۴، ۳۵-۶۲.

- ونت، الکساندر (۱۳۸۴)، *نظریه اجتماعی روابط بین الملل*، مترجم حمیرا مشیرزاده، انتشارات وزارت امور خارجه، ۳۲۵-۳۲۶.

- «متن کامل سند تدبیر سیاست خارجی روسیه ۲۰۱۶»، ترجمه مؤسسه مطالعات ایران و اوراسیا، قابل دسترسی در: <http://iras.ir/images/docs/files/000002/nf00002479-1.pdf>

تاریخ دسترسی: ۱۳۹۸/۱۰/۵.

- Alexandrov, Maxim (2003), "The Concept of State Identity in International Relations: A Theoretical Analysis", *Journal of International Development and Cooperation*, Vol.10, No.1, 2003, pp. 33-46.

- Álvarez Portas, Martina (2020), "National Identity and Foreign Policy: A Brief Analysis of their Connection in Russia", *Opinion Paper*, Available at: [http://www.ieee.es/Galerias/fichero/dos\\_opinion/2020/DIEEEO25\\_2020MARA LV\\_Rusia-ENG.pdf](http://www.ieee.es/Galerias/fichero/dos_opinion/2020/DIEEEO25_2020MARA LV_Rusia-ENG.pdf) and/. Accessed on: 05 January 2020.

- Blank, Stephen J. (2000), "Threats to Russian Security: The View from Moscow", *Strategic Studies Institute*, U.S. Army War College, Available at: [https://www.globalsecurity.org/military/library/report /2000 /ssi\\_blank02.pdf](https://www.globalsecurity.org/military/library/report /2000 /ssi_blank02.pdf), Accessed on: 12 December 2019.

- Blank, Stephen J. (2010), "Russian Military Politics and Russia's 2010 Defense Doctrine", *Strategic Studies Institue*, Available at: <http://www.StrategicStudiesInstitute.army.mil/>, Accessed on: 26 November 2019.

- Budnitsky, Stanislav (2020), "Russia's Great Power Imaginary and Pursuit of Digital Multipolarity", *Internet Policy Review*, Vol 9, No. 3, Available at: <https://policyreview.info/pdf/policyreview-2020-3-1492.pdf>, Accessed on: 23 October 2020.

- "Concept of the Foreign Policy of the Russian Federation" (2013). Available at: [https://www.mid.ru/en/foreign\\_policy/official\\_documents/-/asset\\_publisher/CptICk6B6BZ29/content/id/122186](https://www.mid.ru/en/foreign_policy/official_documents/-/asset_publisher/CptICk6B6BZ29/content/id/122186), Accessed on: 15 January 2020.

- Davies, Nigel Gould (2018), "Economic Effects and Political Impacts: Assessing Western Sanctions on Russia", *Bofit Policy Brief*, No. 8. Available at: <https://helda.helsinki.fi/bof/bitstream/handle/123456789/15832/bpb0818.pdf?sequence=1>, Accessed on: 2 February 2020.

- Donaldson, Robert H. and Noguee, Joseph L. (2009), *The Foreign Policy of Russia: Changing Systems, Enduring Interests*, New York/London, M.E. Sharpe.

- Freire, Maria Raquel; Simão, Licinia (2019), *Security Challenges in Russia-European Union Relations*, in Roger E. Kanet (org.), *Routledge Handbook of Russian Security*. Oxon and New York: Routledge.

- Gotz, Elias (2017), "Putin, the State, and War: The Causes of Russia's Near

- Abroad Assertion Revisited”, *International Studies Review*, 19, Pp. 228–253. Available at: <https://academic.oup.com/isr/article-abstract/19/2/228/2669511>, Accessed on: 14 September 2019.
- Halperovich, Danila (2017), “Relations between Russia and the West: Results of 2017 through the Eyes of Russian Experts”, Available at: <https://www.golos-ameriki.ru/a/russia-west/4184668.html>, Accessed on: 15 October 2019.
- Hass, Marcel de (2011), “Russia’s Military Doctrine Development (2000-10)” in Blank, Stephen J. (editor), “Russian Military Politics and Russia’s 2010 Defense Doctrine”, Available at: <http://www.StrategicStudiesInstitute.army.mil/>, Accessed on: 22 May 2019.
- He, K. (2012), “Undermining Adversaries: Unipolarity, Threat Perception, and Negative Balancing Strategies after the Cold War”, *Security Studies*, Vol. 21, No. 2, pp. 154–191.
- Hedenskog, Jakob & Pallin, Carolina (2013), “Russian Military Capability in a Ten-Year Perspective”, Available at: [www.foi.se/russia](http://www.foi.se/russia), Accessed on: 3 January 2019.
- Herd, Graeme P. (2019), “Executive Summary: Understanding Russian Strategic Behaviour”, *Russia Strategic Initiative-Workshop 3*, (March). Available at: [https://www.marshallcenter.org/mcpublicweb/mcdocs/perspectives\\_10\\_-\\_herd\\_rsi\\_workshop\\_3\\_-\\_mar\\_2018.pdf](https://www.marshallcenter.org/mcpublicweb/mcdocs/perspectives_10_-_herd_rsi_workshop_3_-_mar_2018.pdf), Accessed on: 19 October 2020.
- Jonavicius, Laurynas, Delcour, Laure, Dragneva, Rilka, and Wolczuk, Katarzyna (2019), “Russian Interests, Strategies, and Instruments in the Common Neighbourhood”, *EU-STRAT Working Paper*, No. 16 (March). Available at: <http://eu-strat.eu/wp-content/uploads/2019/03/EU-STRAT-Working-Paper-No.-16.pdf>, Accessed on: 19 October 2020.
- Kaczmarek Marcin, Katz, Mark N. and Tiilikainen, Teija (2018), “The Sino-Russian and US-Russian relationships: Current developments and future trends”, Prime Minister’s Office, December. Available at: <https://www.fia.fi/en/publication/the-sino-russian-and-us-russian-relationships>, Accessed on: 22 December 2019.
- Katzenstein, Peter J. (1996), “The Culture of National Security. Norms and Identity in World Politics”, New York: Columbia University Press. Available at: <http://www.fb03.uni-frankfurt.de/45503391/Introduction-from-Katzenstein-1996---The-Culture-of-National-Security.pdf>, Accessed on: 26 May 2019.
- Kratochvil, P. (2004), “The Balance of Threat Reconsidered: Construction of Threat in Contemporary Russia”, *Paper Presented at the Fifth Pan-European Conference Netherlands*, Conference Paper, Praha: Institute of International Relations (IIR), Available at: <https://www.files.ethz.ch/isn/31440/2004-09-The%20Balance%20of%20Threat%20Reconsidered.pdf>, Accessed on: 17 July 2019.

- Klein, Margarete (2015), "Russia's New Military Doctrine: NATO, the United States and the "Colour Revolutions"", *German Institute for International and Security Affairs*, (February), Available at: [www.swp-berlin.org](http://www.swp-berlin.org), Accessed on: 25 March 2020.
- Military Doctrine of the Russian Federation (1993), Available at: <https://fas.org/nuke/guide/russia/doctrine/russia-mil-doc.html>, Accessed on: 1 November 2020.
- Oliker, Olga (2016), "Unpacking Russia's New National Security Strategy", *the Center for Strategic and International Studies*, Available at: <https://www.csis.org/analysis/unpacking-russias-new-national-security-strategy>, Accessed on: 3 January 2019.
- Sakwa, Richard (2008), *Russian Politics and Society*, London and New York, Routledge.
- Russia's National Security Strategy to 2020, Available at: <https://www.files.ethz.ch/isn/154915/Russia's%20National%20Security%20Strategy%20to%202020%20-%20Rustrans.pdf>, Accessed on: 22 January 2019.
- Russian National Security Strategy (2016), Available at: <http://www.ieee.es/Galerias/fichero/OtrasPublicaciones/Internacional/2016/Russian-National-Security-Strategy-31Dec2015.pdf>, Accessed on: 21 July 2020.
- Saradzhyan, S. (2018), "When does Vladimir Putin's Russia send in troops?" *Harvard Kennedy School Belfer Center*, Russia Matters Blog, (7 August) Available at: <https://www.russiamatters.org/analysis/when-does-vladimir-putins-russia-send-troops>, Accessed on: 18 July 2019.
- Savranskaya, Svetlana and Blanton (2017), Tom. "NATO Expansion: What Gorbachev Heard", *National Security Archive*. Available at: <https://nsarchive.gwu.edu/briefing-book/russia-programs/2017-12-12/nato-expansion-what-gorbachev-heard-western-leaders-early>, Accessed on: 15 March 2019.
- Stets, Jan E.; Peter J. Burke. (2002), "Identity Theory and Social Identity Theory", *Social Psychology Quarterly*, Vol. 63. No. 3.
- Suslov, D. (2016), "The Russian Perception of the Post-Cold War Era and Relations with the West", *Harriman Institute, Columbia University*, 9 November. Available at: [https://www.sant.ox.ac.uk/sites/default/files/university-consortium/files/suslov\\_harriman\\_lecture\\_on\\_post-cold\\_war\\_era.pdf](https://www.sant.ox.ac.uk/sites/default/files/university-consortium/files/suslov_harriman_lecture_on_post-cold_war_era.pdf), Accessed on: 27 January 2019.
- The Military Doctrine of the Russian Federation (2000), Available at: <https://www.armscontrol.org/act/2000-05/russias-military-doctrine#I8>, Accessed on: 12 July 2020.

- The Military Doctrine of the Russian Federation (2010), Available at: [https://www.files.ethz.ch/isn/154906/Russia2010\\_English.pdf](https://www.files.ethz.ch/isn/154906/Russia2010_English.pdf), Accessed on: 3 August 2019.
- The Military Doctrine of the Russian Federation (2015). Available at: <https://rusemb.org.uk/press/2029>, Accessed on: 3 August 2019.
- Wendt, Alexander (1992), "Anarchy Is What States Make of it: The Social Construction of Power Politics", *International Organization*, Vol. 46, No. 2, pp. 391-425. Available at: <https://courses.helsinki.fi/sites/default/files/course-material/4594742/Wendt.pdf>, Accessed on: 14 July 2019.
- Wendt, Alexander (1999), *Social Theory of International Politics*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Данилбов, Дмитрий (2019), "РОССИЯ–ЕС–НАТО: ВЫБОР РАЦИОНАЛЬНОЙ СТРАТЕГИИ", (Russia- EU- NATO: Choosing a Rational Strategy), *Научно-аналитический вестник ИЕ РАН*, 2019, №3, Available at: <https://cyberleninka.ru/article/n/rossiya-es-nato-vybor-ratsionalnoy-strategii/viewer>, Accessed on: 7 October 2019.
- Румер, Евгений and Сокольский, Риячмард (2020). Тридцать лет Хождения по Кругу: политика США в Отношении России. (Thirty Years of Circling: US Policy toward Russia). Available at: <https://carnegie.ru/2020/04/21/ru-pub-81258>, Accessed on: 13 November 2019.